

اگر ایمان آوردی و اسلام قبول کنی مگر حالیا در تصرف است بمو
بگذارم و زود باشد که دین بر نظر هر شود و اهل اسلام بر هر چه
در تحت تصرف کسی است مسلط شوند چون رسولان جبر با زبان
رسائیدند با زبان کت اگر وی درین صیغه صادق باشد پیغمبر خداست
عزوجل باید که هیچ کس از ملوک در ایمان بوی بر ما سابق نباشد درین
حال بودند که رسول شیره و جبر قتل کسی آورد با زبان با مله اهل و فرزندان
و با جماعت فرس که با وی بودند بدولت اسلام شرف شدند
و از جمله آنست که چون سال ستم از هجرت بغزوه خبیر بر وی
آمد رسول صلی الله علیه و سلم اقول بار علی امیر المؤمنین عمو رسول الله
عند وی با جماعت مسلمانان برقت و جنگ در پوست لشکر اسلام
نهی ناکرده باز گشتند و رسول صلی الله علیه و سلم در و شقیقه داشت
بیرون نیامد تا فرمود که مقاتله کنند امیر المؤمنین ابو بکر صلی الله
علم برداشت و برقت و جنگی از آن سخت تر کرد و فتح ناکرده باز
گردید دیگر بار امیر المؤمنین عمو رسول الله عند علم برداشت و برقت
و جنگی از آن سخت تر کرد و ناکرده باز گشت خبر حضرت رسالت
صلی الله علیه و سلم رسید فرمود که لا عظیمین المرأه عندا رحلا کرا را
خیر فرمایند بحسب الله و رسول و بحسب الله و رسول لا یرضع حتی یخرج
الله علی یدیه را وی که یو امیر المؤمنین علی کریم الله وجهه آن
روز آنجا حاضر بود که در چشم داشت ابو بکر و عمر و سایر اصحاب

درین

شواهد غزوه خبیر

نهی

رضی الله عنهم شرفی بودند که آن کس کی از ایشان باشد سعادت
کی گوید که در برابر هر دو چشم رسول صلی الله علیه و سلم زانو در آنم
و باز بر خاستم و بایستادم با میده که آن کس من باشم و امیر المؤمنین
عمو رسول صلی الله علیه و سلم گوید که هر که از امارت را دوست ندانم که آن روز
که از رسول صلی الله علیه و سلم شنیدم که خدا و رسول خدا را دوست
و خدا و رسول خدا را دوست دارند و باز کرد تا بر دست وی
نهی نشود پس حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم فرمود تا علی را
انتهی آوردند و در چشم داشت آب دکان مبارک در چشم وی
انداخت در حال سخت یافت و در باقی عمر هرگز درد نگذرد و بعد از آن
رایت بوی داد و درج خود در پوشید و ذوالفقار بدست وی داد
و بدعا گفت اللهم انزل علی هذا الرجز امیر المؤمنین علی رضی الله عنه
گفته است که بعد از آن هرگز که ما و در من اثر نکرد و گویند که
در کرمای سخت قبا ی پر جنبه ی پوشید و هیچ باکی نمی داشت و در
سرای سخت با جامه تنگ بیرونی آید و از سر ما متضرر نمی شد پس
امیر المؤمنین علی رضی الله عنه تبخیل تمام توجیه صحنی شد چنانکه
لشکر کی که در آنجا بود هنوز نرسیده بود که وی بکفنی رسید بولاف
سوی رسول صلی الله علیه و سلم گوید که چون بنزدیک حصار رسید
بهودی چنان ظریفی بروی زد که پیرش میفاد و در آن زمین حصار
برگذاشت و پیر خرد ساخت و چنان در دست وی بود تا نهی کرد بعد

رضی الله

Copyrighted by University